

اقتصاد آموزش و پرورش

نویسنده و گردآورنده:

احمد کشاورزی

سرشناسه	: کشاورزی، احمد، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: اقتصاد آموزش و پرورش / نویسنده و گردآوری احمد کشاورزی.
مشخصات نشر	: شیراز: احمد کشاورزی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۴ص: ۱۴/۵×۲۱ ۵/۳ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰۰۰۴-۷۲۱۸-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
موضوع	: آموزش و پرورش -- ایران -- جنبه‌های اقتصادی
موضوع	: Education -- Economic aspects -- Iran
موضوع	: مدرسه‌ها -- تسهیلات -- برنامه‌ریزی
موضوع	: School facilities -- Planning
رده‌بندی کتبی	: ۱۳۹۶ کی ۹ الف / LC۶۷
رده‌بندی نیویی	: ۳۷۹/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۴۳۶۷۸

ناشر: مؤلف

اقتصاد آموزش و پرورش

احمد کشاورزی

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۶ / شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰۰۰۴-۷۲۱۸-۴

ویراستار: الهام خواجه / طرح جلد: مهدی شقاقی / صفحه‌ارا: احمد کشاورزی

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

ارتباط با نویسنده:

Ahmadkeshavarzi1366@gmail.com

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۵	 مقدمه
۱۶	 قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش
۲۹	 اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش
۳۲	 کاهش وابستگی به نفت
۳۴	 مدیریت منابع، استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات
۳۷	 پیشنهادهایی برای درآمدزایی در آموزش و پرورش
۳۹	 راهکار برای توسعه منابع مالی آموزش و پرورش
۴۴	 علل کارآمدی کشورها در آموزش و پرورش
۴۶	 وظایف آموزش و پرورش در ایران
۵۰	 مشارکت همه جانبه در آموزش و پرورش
۵۱	 تاریخچه قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش
۵۳	 مفهوم مشارکت و فرایند آن در آموزش و پرورش کشور
۵۴	 کاستی‌های درونی آموزش و پرورش و راه‌های رفع آن
۵۶	 کاستی‌های برونی آموزش و پرورش
۵۹	 شوراهای نظام آموزشی
۶۰	 نقش شوراهای آموزش و پرورش در مشارکت و توسعه و تسهیل فعالیت‌های آموزشی
۶۱	 برنامه‌های دفتر توسعه مشارکت‌های مردمی و امور شوراهای وزارت آموزش و پرورش
۶۶	 شیوه‌های جلب و جذب مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش
۶۷	 انجمن اولیا و مربیان
۶۸	 راه‌های گسترش مشارکت اولیا و مربیان
۶۹	 پیشنهادات برای مشارکت اولیا

- دستیابی به مقوله اقتصاد مقاومتی با مهارت‌افزایی و فرهنگ‌سازی ۷۹
- راهکارهای برای خلق حماسه اقتصادی ۸۲
- اقدامات برای صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌ها در آموزش و پرورش ۸۶
- اقدامات برای خرید (مصرف) کالای ایرانی ۹۰
- مطالبه‌گری و درخواست از دیگران ۹۳
- راه‌های صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌ها در مدارس ۹۵
- منابع ۱۰۳

مقدمه

امروزه مسأله‌ی تأمین بودجه و منابع مالی مورد نیاز امور آموزشی، شاخه‌ای نوین از علم اقتصاد موسوم به اقتصاد آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهد. بخشی مهم از این کتاب به چگونگی تأمین هزینه‌های سالانه‌ی مدارس و راه‌هایی برای درمزدان‌ی اماکن آموزشی و پرورشی می‌پردازد. در نهایت خروجی و محصول نهایی این بحث از علم، یافتن پاسخی برای این پرسش مهم است که:

آیا تأمین بودجه و منابع مورد نیاز جهت تهیه و به‌روزرسانی امکانات آموزشی و تجهیز مدارس، تنها باید از طریق دولت انجام گیرد؟ یا باید تنها از طریق بخش خصوصی و تکیه بر مشارکت‌های مردمی و عمومی انجام پذیرد؟

واقعیت آن است که پاسخ درست، تلفیقی از هر دو مورد فوق شامل می‌شود. یافته‌ها و پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه، به خوبی روشن می‌سازد که اتخاذ هر رویکرد و ارائه‌ی هر راهکاری در این عرصه، باید چنان باشد که نوعی تعادل درست و منطقی بین منابع بخش دولتی و بخش خصوصی برقرار گردد.

این امر هم بر کارایی دلالت دارد و هم بر عدالت. در بیش‌تر کشورهای توسعه‌یافته، بخشی از هزینه‌های آموزش بویژه در بعد اداره کردن مدارس ابتدایی و متوسطه، توسط دولت و از رهگذر مالیات‌های عمومی و سهمی دیگر

از آن از راه مشارکت بخش‌های خصوصی، شهرداری‌ها، جوامع محلی، بنگاه‌های اقتصادی و تجاری غیر دولتی و حتی اولیاء دانش‌آموزان محقق می‌شود.

نکته‌ی حائز اهمیت در این راستا که می‌تواند نتایج به دست آمده را پربارتر و زنده‌ی کار را به عالی‌ترین سطح افزایش دهد، همانا شیوه‌ی نگرش مردم و دولت به مقوله و اصل آموزش و پرورش، فرهنگ موجود در سطح جامعه، تصورات، قوانین مفید و به اجرا گذاشتن دقیق و درست آن‌ها می‌باشد.

راجع به این مشکلات و نارسائی‌های حوزه‌ی آموزش و پرورش، تاکنون مطالب بسیار زیادی بیان شده و یا به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند، این مشکلات و پرداختن هزار باره به آن‌ها، نه یلیم به خواندنشان در کسی ایجاد می‌کند و نه هدف و مراد این کتاب است. اما همچون روال آمده، به منابع و بودجه‌ی آموزش و تأمین هزینه‌های مدارس در ایران می‌پردازیم.

پیش از آن لازم به ذکر است، نگرشی که در گذشته دهی اخیر بر متولیان و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش ایران حکم فرما بوده، تفسیری بازاری مبتنی بر نوعی دوسویه‌ی هزینه - فایده می‌باشد که در آن، هزینه‌ی انجام شده با محصول به دست آمده - به زعم این افراد - تناسب و هم‌خوانی ندارد.

در ایران که جمعیتی بیش‌تر از ۷۰ میلیون نفر دارد، در سال تحصیلی ۹۴ - ۹۳، افزون بر ۱۳/۶۶ میلیون دانش‌آموز مشغول به تحصیل بوده‌اند. اگر ۷۱ هزار فراگیر استثنایی و ۴۷۰ هزار بزرگسال محصل و یک میلیون و ۳۷۷ هزار دانش‌آموز مدارس غیردولتی (غیرانتفاعی) را از این تعداد کم کنیم، باز هم تعداد

دانش آموزان در این سال بیش تر از ۱۱/۷ میلیون نفر بوده است. اگر بخواهیم سهم آموزش و پرورش از بودجه‌ی کل کشور را در ۵ سال اخیر بررسی کنیم، ارقامی بین ۶ تا ۱۰ درصد به دست می‌آیند. میانگین بودجه‌ی آموزش در این ۵ سال، حدود ۸/۶ درصد از بودجه‌ی کل بوده است.

در سال ۹۴، دهه‌ی کل آموزش و پرورش ایران ۲۳ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان بوده که این ۹/۲ درصد از بودجه‌ی عمومی کشور را به خود اختصاص داده است. (بنابر گفته‌ی آقای فانی وزیر آموزش و پرورش، این رقم در طول سال، تا ۲۵ هزار میلیارد تومان، قابل ارتقا می‌باشد. البته ایشان از منابع لازم و چگونگی انجام این مقدار جهش در بودجه، سخنی نگفته‌اند).

اگر باز هم هر ۳۰۰۰ تومان را برابر یک دلار فرض کنیم، بودجه‌ی آموزش و پرورش ایران در سال ۹۴، با خوشحالی هر سه تمام‌تر با ۷/۹ میلیارد دلار برابری می‌کند که در مقابله کشورهای دیگر، رفمی بسیار ناچیز است. البته ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود زیرا بخش‌هایی از این مبلغ، باید در جاهایی دیگر که ارتباط مستقیم و چندانی با دانش‌آموزان، مدارس ندارند، مصرف شوند. مؤسسات و سازمان‌هایی که وابسته به آموزش و پرورش بوده و همگی از بودجه‌ی سالانه‌ی آن ارتزاق می‌کنند.

دبیرخانه‌ی شورای عالی آموزش و پرورش، سازمان مدارس غیرانتفاعی، توسعه مشارکت‌های مردمی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، دانشگاه فرهنگیان، دانشگاه شهید رجایی، کارگروه اجرای سند تحول بنیادین، سازمان دانش‌آموزی، انجمن اسلامی معلمان، بسیج فرهنگیان، انجمن اسلامی

دانش‌آموزی، بسیج دانش‌آموزی و نهضت سوادآموزی عمده‌ی مؤسسات و محل‌هایی هستند که دست در جیب وزارت آموزش و پرورش دارند و هر کدام گوش‌های از بودجه‌ی کم این وزارت‌خانه را از آن خود می‌کنند.

بودجه جاری و بودجه عمرانی تنها ردیف‌های باقیمانده از بودجه‌ی آموزش و پرورش هستند که مبالغ آن‌ها به نوعی مختص معلم، دانش‌آموز و مدرسه می‌باشند، اولی صرف حقوق و دستمزد کارکنان و پرسنل و دومی صرف نوسانات و تجهیز مدارس می‌گردد.

با این وجود، اگر از کلیه‌ی موارد فوق صرف‌نظر نموده و تمام بودجه‌ی آموزش و پرورش را در ده‌بند عمرانی و جاری قرار دهیم و آن را بر تعداد کل دانش‌آموزان کشور تقسیم کنیم، عددی نزدیک به دو میلیون و دویست هزار تومان حاصل می‌شود که این‌ها همان سرانه‌ی دانش‌آموزی یا سرانه‌ی آموزش به ازای هر دانش‌آموز می‌باشد.

البته اگر بخواهیم در این زمینه آماری دقیق‌تر ارائه دهیم بهتر است به گفته‌های یکی از نمایندگان مجلس رجوع کنیم. «فاسد است که بگوییم لاشکی» دبیر اول کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگویی با «ایرنا» به تاریخ ۹۳/۱۰/۲۰، راجع به سرانه‌ی دانش‌آموزی در سال ۹۴ چنین می‌گوید: براساس بودجه‌ی آموزش و پرورش در سال ۹۴، سرانه‌ی دانش‌آموزی برای هر دانش‌آموز مقطع ابتدایی یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان و برای هر دانش‌آموز مقطع متوسطه‌ی اول (راهنمایی) دو میلیون و ۶۰۰ هزار تومان و به ازای هر دانش‌آموز مقطع متوسطه دوم (دیرستان) دو میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می‌باشد. میانگین این

سه رقم تقریباً همان عدد دو میلیون و ۲۰۰ هزار تومان را به دست می‌دهد. براین اساس دولت در سال جاری برای هر دانش‌آموز خود، کم‌تر از ۷۴۰ دلار هزینه نموده است.

گفتنی است که حقوق ماهیانه‌ی یک معلم در ایران، آن هم نه در ابتدای استخدام بلکه با بیست سال سابقه‌ی کار، بین یک و نیم تا دو میلیون تومان (معادل ۶۰۰ تا ۸۰۰ دلار در سال) می‌باشد. در سال ۹۴ بر خلاف سال‌های قبل و برای اولین بار، از محل تبصره‌ی مربوط به ماده واحده‌ی گاز مصرفی (به ازای هر متر مکعب ۳۰۰ تومان) تا سقف ۱۲۰ میلیارد تومان جهت تأمین هزینه‌های جاری مدارس مانند آب، برق، گاز، تلفن، هزینه‌های مربوط به ابزارهای چاپ و تکثیر، تهیه کاغذ و سایرهای نوشتن همچون ماژیک وایت بورد، تخته پاک کن و... پیش‌بینی شده است، ضمن آن‌که از محل همین تبصره، برای استانداردسازی سیستم گرمایشی مدارس به فاقد سیستم گرمادهی بوده و یا سیستم گرمایشی آن‌ها فرسوده و منسوخ است، تا سقف ۳۰۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است که البته مبلغ اخیر تنها باید برای موارد هزینه شده و مدارس نمی‌توانند آن را در محل‌های دیگری خرج نمایند!

اگر چه از یک طرف، «محمد مهدی زاهدی» رئیس کمیسیون آموزش مجلس در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس (به تاریخ ۹۳/۹/۲۵) گنجاندن این بند در ردیف را حاصل توجه و نگاه ویژه‌ی مجلس به آموزش و پرورش و از دیگر سو، مسئولان ارشد وزارت‌خانه آن را از نتایج درخشان مدیریتی خود می‌دانند، اما در مقایسه با تعداد مدارس کشور، مبلغ ۱۲۰ میلیارد تومان بسیار ناچیز است.

تا پایان سال ۹۳، نزدیک به ۱۰۰ هزار مدرسه دولتی در سطح کشور وجود داشته، اگر فرض کنیم تا پایان سال ۹۴ هیچ مدرسه‌های به این تعداد افزوده نشود، اگر به فرض محال بپذیریم این مبلغ به صورت یکسان و برابر، بین تمام مدارس کشور توزیع شود آن‌گاه به هر مدرسه مبلغی در حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌رسد که چنین پولی تنها می‌تواند هزینه‌ی گاز و برق مصرفی درس‌های هفت کلاسه را در طول سال تحصیلی فراهم نماید. البته تمام این فرضیات بر این پایه استوار است که شرکت گاز، منابع مربوط به تبصره‌ی ماده واحد را تمام کمال و در وقت مقتضی در اختیار آموزش و پرورش قرار دهد که خود این امر ز، جای تردید بسیار دارد.

نتیجه آن که در سال تحصیلی آتی، مدیران مدارس ناچارند برای اداره نمودن مدرسه باز هم دست به دادن اولیاء دانش‌آموزان شده و با انواع ابتکارات از آن‌ها طلب کمک و مساعدت نمایند. تا این جای کار، با توجه به قانون، از طرف دولت، مدارس جهت برآوردن نیازهای حدود ۱۲۰۰ میلیارد تومان در اختیار دارند و کل منابع دولتی در این بخش، به همین مقدار کم خلاصه می‌شود.

در بحث منابع خصوصی و غیر دولتی، برای کمک به تأمین هزینه‌های مدارس، برخلاف اغلب کشورها، متأسفانه در ایران فرهنگ و روال قابل‌تأملی وجود ندارد. تنها گروهی از مردان و زنان نیکوکار، تحت نام «خیرین مدرسه‌ساز»، با هزینه‌های شخصی و به یاری اقشار مختلفی از مردم، هر از گاهی در نقطه‌ای از کشور اقدام به ساخت مدرسه‌های و گشودن چند کلاس درس می‌نمایند. مازاد بر این، هیچ کدام از مؤسسات و شرکت‌های غیر دولتی در زمینه کمک به مدارس، تاکنون قدمی پیش نگذاشته و در اساستانه و آیین‌نامه‌های اغلب آن‌ها،

مادهای یا تبصره‌های الزام‌آور برای مشارکت عملی و نهادینه شده در آموزش فرزندان کشور، به چشم نمی‌خورد.

شاید به همین دلیل بوده که دولت در زمستان سال ۷۲ با تقدیم لایحه‌ای به مجلس، سعی نمود شهرداری‌ها، کارخانجات و شرکت‌های بزرگ تجاری و صنعتی را ملزم باین نماید تا درصدی از بهره‌های مالی خود را به آموزش و پرورش اختصاص دهند، باشد که از این راه، بتواند مشارکت بخش غیردولتی در این عرصه را با استفاده از قانون، اجباری نماید!

لایحه‌ی تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در تاریخ ششم دی ماه ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و از آن پس به «قانون شوراهای آموزش و پرورش» موسوم گشت. در ماده‌ی یک این قانون می‌خوانیم: «به منظور تحقق مشارکت و نظارت مردم در امر آموزش و پرورش، بهره‌گیری از کلیه منابع و امکانات، جهت تأسیس، توسعه و تجهیز نهادهای آموزشی و تسهیل در فعالیت‌های اجرایی آموزش و پرورش، شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها و شهرستان‌ها تشکیل می‌گردد.

واضح است مقصود از «منابع و امکانات» مورد اشاره در متن این ماده، همانا منابع بخش خصوصی و غیردولتی می‌باشد. گرچه بیش از دو دهه از عمر این قانون می‌گذرد و در عمل تنها دستاویز رسمی و قانونی برای مجبور کردن بخش خصوصی در پرداخت سهم آموزش و پرورش می‌باشد، قانون فوق نیز در برخی موارد یا اصلاً اجرا نشده و به دست فراموشی سپرده شده و یا در بیش‌تر موارد به صورت ناقص و نارسا اجرا شده است.